

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Investigating Ilkhanid Architecture based on the Architectural of Ujan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مطالعه معماری ایلخانی با تکیه بر آثار معماری شهر اوجان

رحیم ولایتی*، حمید کریمی پور^۱، فرزانه سعادت‌نیراد^۲

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۹/۰۱

چکیده

بیان مسئله: مهم‌ترین بناهای معماری دوره مغول (قرون ۷ و ۸ هجری / ۱۴ و ۱۵ م) در سرزمین آذربایجان که به عنوان مرکز سیاسی دولت مغول شناخته می‌شد، ساخته شده است. از جمله این بناها می‌توان به رصدخانه مراغه، آثار متعدد در تبریز از قبیل مسجد، کاروانسرا، حمام، بازار و ساخت دو شهرک غازانیه و ربع رشیدی اشاره کرد. یکی دیگر از شهرهای مهم این دوره سلطانیه است که ساخت و توسعه آن در این دوره به دلیل عبور راه‌های بزرگ تجاری از کنار این شهر بود. در این میان منطقه‌ای که به تازگی کشف و کاوش شده است شهر اوجان است که به عنوان پایتخت تابستانی ایلخانان و به دلیل دارا بودن مرغزارهای بزرگ و همچنین قرارگیری در چهارراه ارتباطی آسیای مرکزی به بین‌النهرین و شمال غرب به فلات مرکزی انتخاب و ساخته شده است. بنای مهمی در این شهر یافت شده است که ۴ فصل کاوش و بررسی شده و در طی این کاوش اطلاعات جالب و در خور توجهی در مورد معماری ایلخانی به دست آمده است.

هدف پژوهش: در این مقاله برآنیم که از طرفی به معرفی معماری بنای یافت شده در این شهر که همان ارگ و قلعه حکومتی است بپردازیم و معماری ایلخانی را با تکیه بر آثار یافت شده در این شهر بررسی نمائیم. این مقاله با رویکرد باستان‌شناختی و طبق کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده در این محوطه درصدد ارائه گزارشی از چهار فصل کاوش قلعه و ارگ حکومتی شهر تاریخی اوجان است که بر روی ویرانه‌های دوره سلجوقی بنا شده است.

نتیجه‌گیری: معماران سازنده شهر اوجان نه تنها تحت تأثیر شیوه و الگوی معماری سلجوقی قرار گرفته، بلکه با الگوبرداری از شیوه معماری دوره‌های پیشین ایران الگو و روش نوینی در ساخت و تزیین آثار معماری ارائه کرده‌اند.

واژگان کلیدی: معماری ایلخانی، پایتخت‌های ایلخانی آذربایجان، اوجان، سلجوقیان.

مقدمه

نه تنها علاقه اصحاب تاریخ را به خود جلب نکرده بلکه کنجکاوی و تمایل بسیاری از پژوهشگران رشته‌های دیگر علوم انسانی چون باستان‌شناسی را نیز برانگیخته است. بسیاری از پژوهشگران معاصر تا پیش از شکل‌گیری رویکردهای علمی جدید که در پرتو داده‌های تاریخی به دست آمده از پژوهش‌های باستان‌شناسی دوران اسلامی، تاریخ و فرهنگ ایران در این دوره را مشحون از تیرگی و

پس از حمله مغول به سرزمین ایران و تصرف آن، در سده ۷ هجری / ۱۴ میلادی حکومت ایلخانان شکل گرفت و تا اوایل سده ۸ هجری / ۱۴ میلادی در این سرزمین حکومت می‌کردند. پیامدهای سهمگینی که در ایران اتفاق افتاد

* نویسنده مسئول: velayati@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۳۲۴۳۷۲۱

دوره ایلخانی محوطه حسنلو در اواخر قرن ۱۳ م. تا اوایل قرن ۱۴ م. دوره‌ای که کاوش‌های اندکی در خصوص آن صورت گرفته - به رشته تحریر درآورده است (تصویر ۱)؛ (دانتی، ۱۳۸۶، ۱۴-۱۶). از طرفی شناسایی محل دقیق شهر تاریخی اوجان براساس بررسی باستان‌شناختی منطقه اوجان توسط هیئت باستان‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۲ انجام شد که توصیف‌های ارائه‌شده از شهر اوجان در متون تاریخی و جغرافیایی و خصوصاً تصویری که «مطراقچی» از این شهر برجای گذاشته است، کمک شایانی به شناسایی موقعیت این شهر گمشده کرد (مطراقچی، ۱۳۷۹). علی‌رغم اهمیت اوجان به عنوان یکی از مراکز سیاسی و تجاری ایلخانان همه جنبه‌های معماری این شهر بر علاقمندان مباحث باستان‌شناسی کشف نشده است.

فرضیه پژوهش

موقعیت آذربایجان به عنوان چهارراه آسیای دور و مرکزی به مدیترانه و شبه قاره هند به اروپا باعث شد این منطقه مورد توجه مغولان دوره ایلخانی قرار گیرد و به عنوان مرکز سیاسی آنها انتخاب شود که پس از آن شروع به احیای شهرهای قدیمی و همچنین بناهای جدید کردند. فرضیه این تحقیق نیز اثبات استمرار و پیوستگی ماهیت و ساختار شهرهای ایلخانی با دوره‌های مختلف پیش از خود است.

مبانی نظری پژوهش

شهر و شهرنشینی یکی از عرصه‌های مهم و از ساحت‌های اساسی تمدن تاریخی ایرانیان به حساب می‌آید. این پدیده در تاریخ ایران از سابقه بسیار کهنی برخوردار است. بررسی شهرهای اصلی قلمرو ایلخانان یعنی آذربایجان به صورت اختصاصی، موضوع و کانون بحث منابع تاریخی نبوده است. از این‌رو محقق مجبور است همه منابع سیاسی، ادبی، دینی و از این قبیل را مورد جستجو قرار دهد، اما در منابع تاریخی



تصویر ۱. تپه حسنلو که دوره ۱ آن مربوط به دوره ایلخانی است. مأخذ: دانتی، ۱۳۸۶.

تباهی می‌دانستند و سیطره مغول‌ها و حتی ایلخانان را یک گسست عمیق در روند زیست فرهنگی و اقتصادی ایرانیان ارزیابی می‌کردند. برخلاف این نظر، با بررسی دقیق اوضاع و احوال ایران در دو سده فوق، نویسندگان به این نتیجه رسیدند که باید همه وجوه زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن دوران را مورد توجه و تحقیق قرارداد و بررسی یک جنبه چندان صحیح نیست. همه مناطق ایران تجربه یکسانی در برابر این رویداد از سرنگزاندند. مثلاً در آذربایجان و به خصوص تبریز، بزرگان و حاکمان شهر با درایت و تدبیر، از مسیر دوستی با مغولان وارد شدند و با پذیرش «ایلی» ریاست آنها بر خود را پذیرفتند (حموی بغدادی، ۱۳۸۱، ۷۰۵، ۷۰۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۸، ۴۰۱).

به این وسیله زمینه‌ای برای ادامه و حتی گسترش حیات اجتماعی و اقتصادی منطقه خود را فراهم آوردند. از آنجا که آذربایجان مرکز ثقل حکومت ایلخانان در این عصر به حساب می‌آید، شهرهای مراغه، تبریز، سلطانیه و اوجان آینه تمام‌نمای اوضاع این منطقه به شمار می‌روند. در میان شهرهای فوق، اوجان به ندرت مورد توجه پژوهشگران و محققان قرار گرفته، از این‌رو این تحقیق با بررسی حیات این شهر و فضای کالبدی آن، بر آن است تا این نقیصه را در فضای تحقیقات این زمان تا حدودی مرتفع سازد. مغول‌ها از ابتدا موقعیت مهم جغرافیایی و سیاسی آذربایجان را دریافته بودند. چنانکه امکانات اقتصادی و وجود کارگاه‌های مختلف بافندگی و نیز تولید سلاح و فلزات و وسایل دیگر، مراغه و تبریز و سایر شهرهای آذربایجان را به مکان‌هایی برای پشتیبانی این قوم جنگجو تبدیل کرد. هلاکوخان اول مراغه را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. موقعیت قابل توجه تبریز که محل تلاقی کاروان‌های شرق دور و هندوستان از یک‌سو و به دشت قبچاق و دریای مدیترانه از سوی دیگر بود، «آباقا» جانشین هلاکو را متقاعد کرد تا آن را به عنوان مرکز سیاسی خود انتخاب کند (رضوی، ۱۳۸۸، ۱۷۵). پس از آن در زمان غازان خان ایلخانی اوجان بر روی خرابه‌های شهر سلجوقی بازسازی شد و «خواجه رشیدالدین» در کتاب «تاریخ مبارک غازانی»، این شهر را به عنوان شهر اسلام خواند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۱۹، ۱۴۴). برای تطبیق و مقایسه می‌توان به یکی از منابع باستان‌شناسی دوره ایلخانی آذربایجان که نتایج حاصل از کاوش و پژوهش داده‌های فرهنگی دوره تپه حسنلو در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۱ هجری شمسی به سرپرستی «دایسون» است استناد کرد. این پژوهش در سال ۲۰۰۴ م. توسط «مایکل دانتی» در کتابی تحت عنوان «دوره ایلخانی تپه حسنلو» به وسیله موزه دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا منتشر شده است. مایکل دانتی این کتاب را با تدوین و تفسیر داده‌های کاوش‌های پراکنده و با هدف ارائه اسناد

توجه به شرایط متنوع و گوناگون خود شاهد شکوفایی این پدیده بوده است. شهر در اوستا و زبان فارسی باستان، به شهر، ایالت و نیز کشور و حکومت اطلاق می شده است. واژه‌های هم‌خانواده آن چون «ایران‌شهر»، «شهریار» و از این قبیل پیوند آن را با پادشاهی به اثبات می‌رساند (اشرف، ۱۳۷۳، ۱۱ و پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، ۲۱۲). دوره ساسانی اوج رونق شهرنشینی ایران پیش از اسلام است (تشکری، ۱۳۷۷، ۳۱) در منابع تاریخی از پادشاهان سلسله ساسانی به عنوان بنیانگذاران شهرهای بزرگ یاد کردند (یعقوبی، ۱۳۶۱، ۱۹-۸۰). در این دوره دو عامل مهم یعنی سیاست شاهان و نیز موقعیت اقلیمی اقتصادی در شکل شهرنشینی و گسترش آن نقش اصلی را ایفا کرد. در این زمان مراکز اصلی ثقل زندگی شهری عبارت بودند از: کاخ، معبد، استحکامات و بازار مرکزی (تشکری، ۱۳۷۷، ۱۳۷۷).

میراث تمدن ساسانی در زمینه شکل و فضای شهر، علی‌رغم برخی دگرگونی‌ها، در عصر اسلامی نیز کارکرد خود را حفظ کرد. اما نظام کاست طبقاتی در عصر ساسانی، در عصر جدید یعنی دوره اسلامی جای خود را به پویایی اجتماعی و اقتصادی داد و زمینه شکوفایی بیشتر شهرها را فراهم ساخت. شهر در عصر اسلامی نقش گسترده‌تری را به سازمان‌های دینی اختصاص داد و مراکزی چون مسجد، مدرسه و خانقاه نقش بیشتری در فضای کالبدی شهر به خود اختصاص دادند. همچنین در این زمان شهر و روستا پیوند نزدیکتری با یکدیگر برقرار ساخته و مجموعه همبسته‌ای پدید آوردند (تصویر ۲)؛ (اشرف، ۱۳۷۳، ۱۱-۱۱۰). در دو سده نخست یعنی تا پایان امویان و اوایل عصر عباسی، رونق و پیشرفتی در زمینه شهرنشینی به وجود نیامد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۷، ۸۰-۸۱). اما در دوره عباسی زمینه گسترش آن فراهم شد. در دوره عباسیان همزمان با توسعه تجارت و راه‌های بازرگانی، شهرهایی که از این موقعیت نصیب و بهره‌ای بردند، رشد و پیشرفت شایانی را شاهد بودند. در این دوره مراکزی چون ارگ، مسجد جامع، بازار و محلات، فضا و سیمای شهرها را شکل داده و فضای کالبدی شهرها را به خود اختصاص دادند. پس از آن مراکزی چون مدارس، حمام‌های عمومی، ضرابخانه‌ها، کاروانسراها و آسیاب‌های بادی بخش دیگری از فضای شهرها را اشغال کرده بودند (اشرف، ۱۳۷۳، ۱۸-۲۳). از ورود اعراب به ایران تا تشکیل سلجوقیان اصول معماری تحولات گسترده‌ای را تجربه نکرد اما در این زمان (سلجوقیان) به خاطر برخورداری جامع از ثروت و نیز قدرت متمرکز سبک معماری تحولات جدید را به خود دید. یکی از علل این تحول گذشته از آنچه گفته شد نقش دبیران ایرانی در ساختار جدید است که در معماری این دوره نیز خود را نشان می‌دهد. معماری دوره سلجوقی برآیندی از میراث معماری در سده‌های قبل

این دوره اطلاعات باارزش و مهمی پیرامون شهر مراغه، تبریز و سلطانیه به ندرت از اوجان ارائه می‌دهد. آنچه بر اهمیت شهر و معماری آن در دوره میانه تاریخ جهان و از جمله ایران می‌افزاید انعکاس چارچوب فکری و نظام ارزشی مردم در تاروپود آن است، محققان رشته‌های گوناگون دیگر نیز هر یک در پی کشف مسایل و معضلات مربوط به زندگی جمعی انسان در این عصر به سراغ جنبه‌های گوناگون شهر و شهرنشینی روی می‌آوردند. مجاورت آذربایجان به «ولوس جوجی»^۱ که دشمن و رقیب ایلخانان بودند و نیز نزدیکی این منطقه با دولت ممالیک، ایلخانان را ناچار می‌ساخت در رقابت با آنان با سرعت مراکز اقتصادی و تجاری ایجاد کنند، بنابراین تأسیس شهر تاریخی اوجان باید در این چارچوب تاریخی مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه مطالعات

آذربایجان بعد از سقوط بغداد به مهمترین مرکز سیاسی و تجاری ایلخانان تبدیل و به همین خاطر برخی از شهرهای آن شاهد پیشرفت و رونق تجارت و بازرگانی شد. لذا شهرهایی مانند مراغه تبریز و سلطانیه که انعکاس بیشتری در منابع این دوره یافته‌اند بارها از سوی پژوهشگران مورد تحقیق قرار گرفته‌اند اما منابع فوق فقط اطلاعات کلی و پراکنده‌ای در این زمینه ارائه داده‌اند. تاریخ جوینی (جوینی، ۱۳۷۰) و جامع‌التواریخ (فضل‌الله همدانی، ۱۳۱۹) و همچنین تاریخ وصاف (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸) و نیز نزه‌القلوب مستوفی (مستوفی، ۱۳۳۷) و منابع مهم دیگر این دوره اطلاعات باارزش و مهمی پیرامون شهر مراغه، تبریز، سلطانیه، و به ندرت از اوجان ارائه می‌دهد. این نقیصه باید با کاوش‌های باستان‌شناسی بر روی شهر تاریخی ایلخانی اوجان برطرف شود. مطالعات شهرهای دوره اسلامی منطقه آذربایجان، محدود به کاوش‌ها و بررسی‌های شهر سلطانیه (توحیدی، کبیری و مهریار، ۱۳۶۵)، کاوش‌های اندکی نیز در رصدخانه مراغه (ورجواند، ۱۳۶۶)، و کاوش‌های ارگ علیشاه تبریز بوده است (سرفراز، ۱۳۶۱). در رابطه با جایابی شهر اوجان مقاله‌ای در مجله «بررسی‌های تاریخی» تحت عنوان «معرفی شهر تاریخی گمشده اوجان» از «رحیم هویدا» در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است و برخی از قسمت‌های این شهر را معرفی کرده است (هویدا، ۱۳۵۴). اما برای اولین بار شهر اوجان در بررسی روشمند باستان‌شناسی سال ۱۳۹۲ شناسایی شد و پس از آن در چهار فصل از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۳۹۸ توسط تیم باستان‌شناسی دانشگاه تهران کاوش شده است.

شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران (پیش از عصر ایلخانان)

تاریخ شهرسازی و شهرنشینی در ایران از قدمت زیادی برخوردار است و در همه ادوار پیش از اسلام تاریخ ایران با



تصویر ۲. نمونه‌ای از شهرهای ساسانی به شکل گرد مانند فیروزآباد و شهر بیشاپور به شکل چندضلعی. مأخذ: کیانی، ۱۳۶۵، ۴۰۵.

دانشمند چون خواجه نظام‌الملک در این دستگاه حکومتی است (کمال‌الدین حلمی، ۱۳۸۷، ۱۸۸-۱۹۲).



تصویر ۳. مسجد جامع اصفهان و یزد در مرکز شهر همیشه کارکرد دینی داشته و دارد. مأخذ: کیانی، ۱۳۶۵، ۵۰۴.

از خود بود. در دوره ایلخانان نیز آنچه در این زمینه وجود داشت تلفیق و ترکیب اشکال ساختمانی و تزئینی بناها بود. مسئله دیگر این است که وجه غالب کارکرد شهر در دوره میانه وابسته به ساختار سیاسی و تعمیم کارکرد آن بود و به همین دلیل شهر به عنوان یک واحد سیاسی از موجودیت مستقل برخوردار نبود چون جزئی از ساختار سیاسی به حساب می‌آمد (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰، ۵۷-۵۹). کوشش سلجوقیان بیشتر در ساختمان‌هایی از نوع مسجد متمرکز بود (تصویر ۳). معماران دوره ایلخانی همه نقشه‌ها و مصالح و روش ساختمانی دوره سلجوقی را اقتباس کردند. مقبره برجی در معماری سلجوقی اهمیت داشت و در دوره ایلخانان نیز به عنوان الگو مورد استفاده قرار گرفت. سلجوقیان حامی و مشوق هنرمندان و صنعت‌گران بودند و در زمینه هنر و معماری از ایجاد سبک‌ها و بناهای جدید حمایت می‌کردند به نحوی که این حمایت از شیوه‌های جدید معماری باعث ایجاد طرح‌ها و روش‌های خاص شد و نیز موجب شد تا اشکال معماری کهن به صورتی دقیق آشکار شود. از این‌رو، معماری اسلامی در این عصر به نهایت درجه ترقی خود دست یافت. با وجود این سلجوقیان معماری خود را تا حد زیادی از غزنویان و متأثر از سبک‌های ساسانی بنا نهادند. در واقع آنان وارث معماری و شهرسازی قوام‌یافته‌ای بودند که بیش از چهار قرن تحول سازنده‌ای را پشت سر گذاشته بود. معماری سلجوقی از استحکام و زیبایی منحصر به فردی برخوردار است. گرچه حدود یک هزار سال از آن دوره می‌گذرد ولی بناهای باقی‌مانده، گواه مهارت و استادی هنرمندان و استادکاران و آگاهی آنان از شیوه‌های مختلف به ویژه آجرکاری، مساجد، مناره‌ها، گچ بری‌ها و محراب‌ها و کتیبه‌هاست. البته باید در نظر داشت که شکوفایی معماری در این دوره مدیون آرامش، رونق و ثبات سیاسی قلمرو سلجوقیان و همچنین حضور وزیری

چنگیزخان، تغییری در زندگی خانه به دوشی قوم مغول شکل نگرفت و نشانه‌ای از گرایش یا علاقه آنها به شهرنشینی به وجود نیامد و بیلاق و قشلاق آنها با وجود تشکیل حکومت حتی در چین و ایران ادامه یافت (لمب، ۱۳۷۷، ۱۵۲-۱۵۵) و در عصر ایلخانان و دوره فترت پس از آن نیز در میان گروه‌هایی از آنان این رسم همچنان در جریان بود (تصویر ۴)؛ (سمرقندی، ۱۳۷۳، ۱۵۲).

به رغم چنین دیدگاه و ذهنیتی در میان این قوم، اقتضات و شرایط سیاسی پس از مرگ چنگیزخان از سوی برخی رهبران آنها به تدریج بر این تصور غالب آمد و خان‌های مغول خود به بنیانگذاران شهرهای مهمی تبدیل شدند. «رشیدالدین فضل‌الله» از بناهای شهر (قراقروم) در عصر اکتای یاد می‌کند و حتی عظمت آن را با بغداد مقایسه می‌کند (همان، ۱۷۸). همچنین در این باره تلاش‌های «قوبیلای قآن» به‌خصوص در تعمیر و احیای خان بالیغ قابل ذکر است. گزارش‌های تاریخی حاکی از برخی اقدامات اصلاحی حاکمان مغول در خراسان، پیش از تأسیس سلسله‌های ایلخانی و در اوج دوران فتوح و غارت آنان است (هروی، ۱۳۷۲؛ اشپولر، ۱۳۷۸، ۲۷۱).

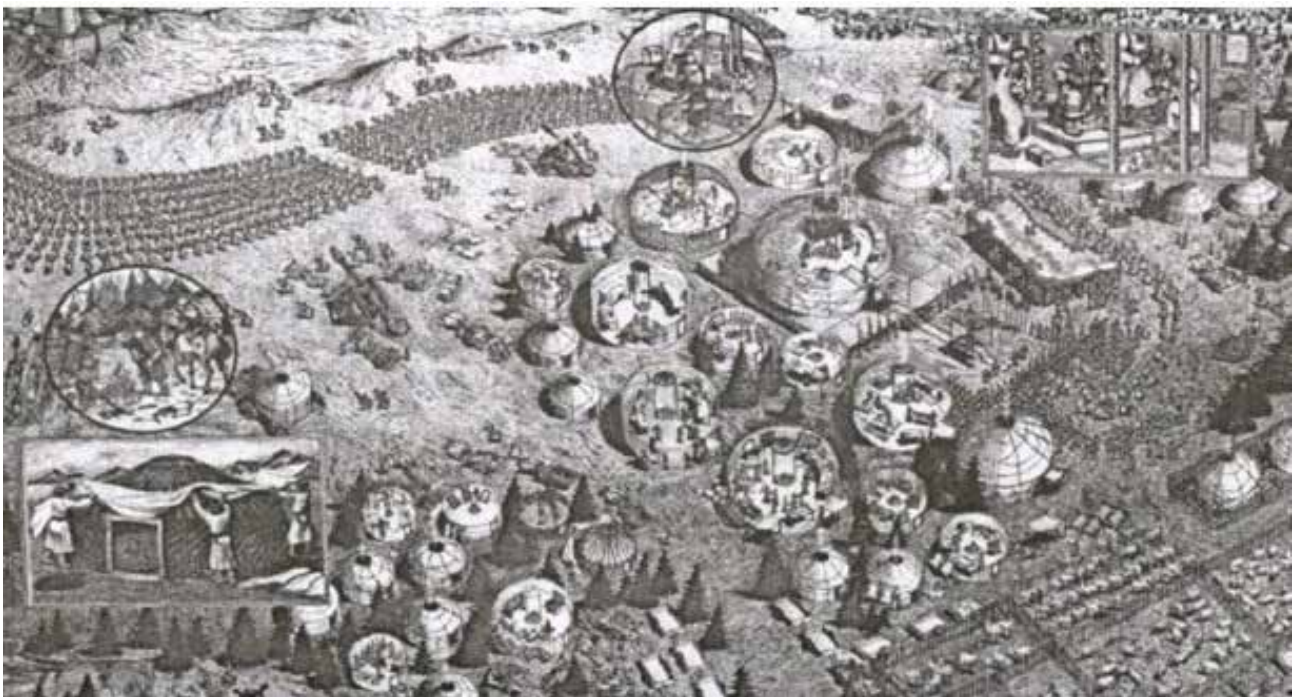
شهرهای مرکزی در عهد ایلخانان

پس از شکل‌گیری امپراطوری مغول توسط جانشینان چنگیزخان تمایلات صحرانشینی و مرکزگریز آنها تحت تأثیر میراث سرزمین‌های مفتوح چین و ایران و نیز اقتضات

سبک معماری دوره ایلخانان مستقیماً از سبک آثار ساختمانی و معماری دوره سلجوقی اقتباس شده است. موقعی که سبک معماری سلجوقی به اوج ترقی خود رسید چهار قرن و نیم از زمان غلبه اعراب بر ایران گذشته بود و اشکال آزمایشی آن قرون اولیه به صورت سبک مشخص و دقیق سلجوقی درآمد که از ده‌ها ساختمان موجود از آن اطلاع داریم. معماری سلجوقی و ایلخانی از حیث اوضاع و شرایط متظاهرشدنشان با هم شباهت دارند. ترکان سلجوقی در اواسط قرن یازدهم به صورت فاتحین نامتمدن به سمت مغرب و داخل ایران رانده شدند و شاهد فعالیت مشعشع ایران در ادبیات و هنرهای ظریف شدند و نسبت به آن علاقه پیدا کردند. در دوره ایشان زمام امور مملکت به دست کارمندان و کارگزاران ایرانی بود و تأثیر خداوندگاران جدید بر تسلسل فرهنگ ایران و عناصر آن اندک بود (ویلبر، ۱۳۹۳، ۳۴).

رویکرد عمومی قوم مغول به حیات شهری

قبایل مغول پیش از رهبری چنگیزخان به دو گروه شکارچیان یکجانشین و شبانان استپ‌نشین تقسیم می‌شد (تسف، ۱۳۷۸، ۵۸-۵۹) که از راه شکار و دامپروری امرار معاش می‌کردند. همانند دیگر قبایل صحراگرد این زمان، تلاش مستمر برای شکار و نیز جنگ برای غارت، بخشی از اقتصاد آنها را تشکیل می‌داد و زندگی خانه به دوشی را بر آنها تحمیل کرد. با شکل‌گیری نظم سیاسی توسط



تصویر ۴. تصویر شیوه زندگی ایلخانان در چادر در ابتدای حضورشان در ایران. مأخذ: ولایتی، ۱۳۹۶ الف، ۱۶۷.



تصویر ۵. تصویری از طرح کامل برج مرکزی رصدخانه مراغه همراه با تصویر خیالی این مجموعه که در تصویر کاوش باستان‌شناسی راهرو مرکزی و ربع جداری مهمترین واحد اندازه‌گیری اطاق‌های واقع در دو سوی راهرو مرکزی و ورودی برج مشاهده می‌شود. مأخذ: ورجاوند، ۱۳۶۶، ۵.

و فرمانروایان ممالک شام و مصر سبب می‌شد تا از این شهر تحرکات این دو رقیب را زیر نظر داشته باشند و موقعیت تجاری آن که محل تلاقی کاروان‌های شرق دور به هندوستان، دشت قباچاق، دریای مدیترانه، عراق عرب و شهرهای ایران بود، سبب شد تا آباقا جانشین هلاکو آن را به عنوان مرکز سیاسی خود انتخاب کند. نکته مهم اینکه شهر تبریز پیوند و پیوستگی عمیقی با مناطق روستایی اطراف خود داشت (رضوی، ۱۳۸۸، ۱۷۷). بسیاری از زمین‌داران و کشاورزان تولیدکننده در آن می‌زیستند (قزوینی، ۱۳۷۷، ۱۲). کشاورزی تبریز در منابع گوناگون مورد اشاره قرار گرفته است (مستوفی، ۱۳۳۷، ۸۷-۹۱) «مارکوپولو» هم در دوره گیخاتو (۵-۷۵۱ق.م) از این شهر دیدن کرد و تحت تأثیر شکوه و ثروت آن قرار گرفت: «در این شهر بسیاری از تجار غیرمسلمان با آرامش زندگی می‌کنند. این بازرگانان از هندوستان به بغداد و هرمز به این شهر سفر می‌کنند تا کالاهای خود را بفروشند و آنچه مورد نیازشان است را خریداری تا به سرزمین‌های دیگر منتقل کنند» (مارکوپولو، ۱۳۷۳، ۷۱)؛ (تصویر ۶).

سلطانیه برعکس تبریز از سابقه روشنی برخوردار نبود. پیش از آنکه «ارغون» درصدد تأسیس آن برآید بیشتر تفرجگاه مغولان بود. حجم گسترده تجارت و عبور راه‌های متعدد تجاری از آذربایجان ارغون‌خان را بر آن داشت تا شهری را

روزگار به تغییرات اساسی تن داد. سیاست دوگانه سکونت و پذیرش هنجارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان و نیز سلوک نظامی و ایلی و وفاداری به یاسای چنگیزی تا آخر دولت ایلخانان درمیان امرای این سلسله وجود داشت اما در پناه سلاطین قدرتمندی چون «غازان‌خان»، «محمد اولجایتو» و حتی «ابوسعید» این روند متعادل شد و وزنه سیاست اصلاح و رونق شهرها و اقتصاد در این دوره سنگین‌تر شد. دوران حیات سه ایلخان آخر یعنی غازان، سلطان محمد و ابوسعید دوره نفوذ دیوان‌سالاری ایرانی در دولت ایلخانی بود (طوسی، ۱۳۷۱، ۳۱۱-۳۱۷). شهر مراغه قبل از ایلخانان هم شهری مهم در آذربایجان بوده، اما در دوره ایلخانی به دلیل موقعیت شهری و قرارگرفتن در دامنه جنوبی سهند و وجود رودخانه صوفی چای مراغه به وسیله هلاکوخان به عنوان پایتخت ایلخانان انتخاب شد. چنانکه مرگ هلاکوخان هم در مراغه بر اهمیت این شهر افزود، زیرا محل دفن بزرگان مغول دارای تقدس خاصی بود و این را در اکثر بناهای ساخته مغول‌ها در ایران می‌توان دید (کیانی، ۱۳۶۶، ۵۲۱). رصدخانه مراغه مهمترین بنا و اثر معماری مهم ایلخانی دوره هلاکوخان است که در زمان حیات او ساخت آن شروع شد. براساس کاوش‌های باستان‌شناسی «علی‌اکبر سرفراز» و «پرویز ورجاوند» در محوطه رصدخانه مراغه، ۱۶ واحد معماری در این مکان مشخص شد؛ از جمله یک برج مرکزی، یک کارگاه ریخته‌گری برای ساخت ابزار و آلات نجومی، ۵ برج مستقل و چند بنای بزرگ مکان وسیع و کیفیت مواد به کاررفته در این رصدخانه مثل سنگ، آجر پخته و کاشی‌های لعابدار و زرین‌فام نشان‌دهنده اهمیت اخترشناسی در نزد مغولان شمنی‌مذهب است (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۱۷۲). بنابراین در دوره ایلخانی نظر به اهمیتی که مغولان چراگرد به عنوان مراتع تابستانی به شمال غرب ایران به ویژه آذربایجان قائل بودند، در سراسر منطقه آذربایجان استقرارهای بسیار زیادی شکل گرفته است؛ شهرهای پایتخت، مثل تبریز و مراغه و نیز مراکز غنی مثل تخت سلیمان و شهر اوجان با آثار فراوان در منطقه آذربایجان پدید آمد (دانته، ۱۳۸۶، ۱۱۳). تبریز یکی دیگر از شهرهایی است که در دوره ایلخانی به شکوفایی و رونق دست یافت و بعد از مراغه به پایتختی آنها انتخاب شد و شهرت آن به خاطر اهمیت تجاری و اقتصادی‌اش به مناطق دوردست هم رسید. تبریز یکی از مراکز مهم صنعتی بود که انواع منسوجات مرغوب در آن تولید می‌شد (تصویر ۵)؛ (حموی بغدادی، ۱۳۸۱، ۷۱۸ و ۷۱۷). مغول‌ها از ابتدا به موقعیت جغرافی و سیاسی تبریز واقف بودند؛ زیرا این شهر برای آنها از مرکزیت سیاسی برخوردار بود. نزدیکی تبریز به اولوس جوجی



تصویر ۶. موقعیت ربع رشیدی در داخل منطقه مسکونی شهر تبریز و تصویر هوایی قلعه رشیدیه. مأخذ: آجورلو و مرادی، ۱۳۹۹، ۵۱.

همچنین نقوش گل به صورت قطعات کاشی با طرح‌های درهم‌تنیده. از این‌رو برخی از محققان از حضور این هنر در مکتب معماری آذربایجان نیز سخن گفته‌اند (ویلبر، ۱۳۹۳، ۹۵).

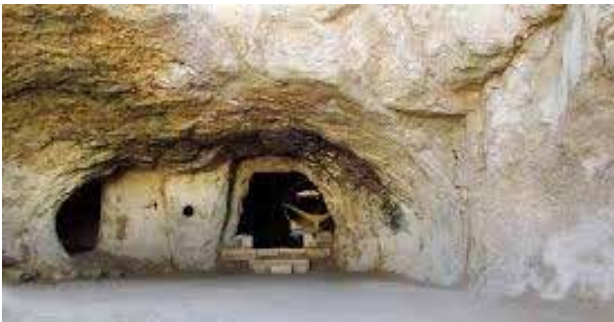
معماری ارگ حکومتی اوجان، پایتخت بیلاقی ایلخانان
بر اساس متون تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناختی آنچه به عنوان معماری دوره ایلخانی شناخته می‌شود، هم از حیث نقشه و هم مصالح و روش ساختمانی از دوره سلجوقی اقتباس شده و می‌توان گفت معماری سلجوقی شکل ابتدایی سبک ایلخانی است (همان، ۳۷). نمونه عینی این تأثیرپذیری را در گنبد دوره ایلخانی که گنبد دوجداره است، می‌توان دید (شراتو و گروه، ۱۳۷۷، ۷). همچنین اشاره شد که نقش اراده سیاسی در تأسیس شهر در سده‌های میانه یکی از متغیرهای اساسی در توزیع و تعیین آن به شمار می‌رود؛ چنان‌که در مورد سلطانیه اشاره شد و در مورد شهر اوجان نیز در ادامه توضیح داده خواهد شد. از میان شهرهای مرکزی آذربایجان در عصر ایلخانان، شهر اوجان کانون توجه پژوهشگران قرار نگرفته و تنها در کنار تبریز، سلطانیه و مراغه به کلی و پراکنده مورد اشاره قرار گرفته است. و تنها در کنار شهرهای مهم همچون تبریز، سلطانیه و مراغه به طور کلی و پراکنده از آن نام برده شده است. البته به تازگی پژوهش‌های باستان‌شناسی در مورد مکانیابی و معرفی شهر تاریخی اوجان و آثار معماری مهم آن مانند ارگ حکومتی، قلعه و قصر سلتنی ایلخانی و همچنین غار معبد و برج آرامگاهی انجام شده است (تصاویر ۷ تا ۹).

از برخی منابع تاریخی مهم معلوم می‌شود شهر اوجان، سال‌ها پیش از ایلخانان نیز محل سکونت بوده زیرا مؤلف «مسالک‌الممالک» در اواسط سده ۴ هجری از آن یاد کرده و آن را از نظر بزرگی، در کنار خوی، سلماس، مرند

بنا نهد تا از عواید و منافع آن منتفع شود. ارغون این توفیق را نیافت تا تکمیل آن را شاهد باشد و این کار را پسرش «محمد الجایتو» به گونه شایسته‌ای به انجام رسانید. در گزارش «حمدالله مستوفی» آمده است: «او عده زیادی از مردم را که از همه ملل و مذاهب هستند و زبانشان هنوز یک رویه نشده اما به فارسی ممزوج مایل‌تر است در آن سکونت‌دادن» (مستوفی، ۱۳۳۷، ۷۱). و «وصاف» هم از شکوه و عظمت آن گزارش داده است. به گزارش برخی منابع، بزرگان دیوانی مانند تاج‌الدین علیشاه و رشیدالدین فضل‌الله در ساخت اماکن و محله‌های خاص خود با یکدیگر در سلطانیه به رقابت پرداختند (حافظ ابرو، ۱۳۷۱، ۱۱-۱۳). یکی از علل علاقه ارغون و پسرش الجایتو به توسعه سلطانیه، عبور راه‌های بزرگ تجاری از کنار آن بود. آنها با استفاده از این موقعیت به راحتی می‌توانستند کاروان‌های تجاری را وادار به توقف در آن نمایند و به این وسیله تجارت را در آن رونق دهند (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸، ۵۵). با توجه به آنچه در صفحات پیش در مورد پیوند قدرت و ساختار سیاسی در بنای شهرها گفته شد می‌توان ادعا کرد که این وضعیت در مورد معماری این دوره نیز کاربرد دارد؛ مثلاً جنبه تزئینی و کاشی‌کاری بناهای فوق نسبت به ادوار پیشین برجسته‌تر است و گویا این سبک برای خوشایند ایلخانان و فرماندهان آنان مطرح شده است. بناهای فراوانی از دوره ایلخانان در ایران، آسیای صغیر (آناتولی) و برخی مناطق دیگر وجود دارد که واجد این ویژگی‌اند. ویژگی دیگر استفاده از کارگران و هنرمندان مناطق گوناگون است که به آذربایجان مهاجرت کرده‌اند. این مسئله نیز در پی حمله مغول صورت گرفت که جابه‌جایی گستره هنرمندان به مناطق پیشرفته‌تر را به دنبال داشت. همچنین وجود طرح‌های تکراری در ساخت بسیاری از بناهای این دوره قابل مشاهده است؛ مانند قطعات ساده و لعابدار سفال و



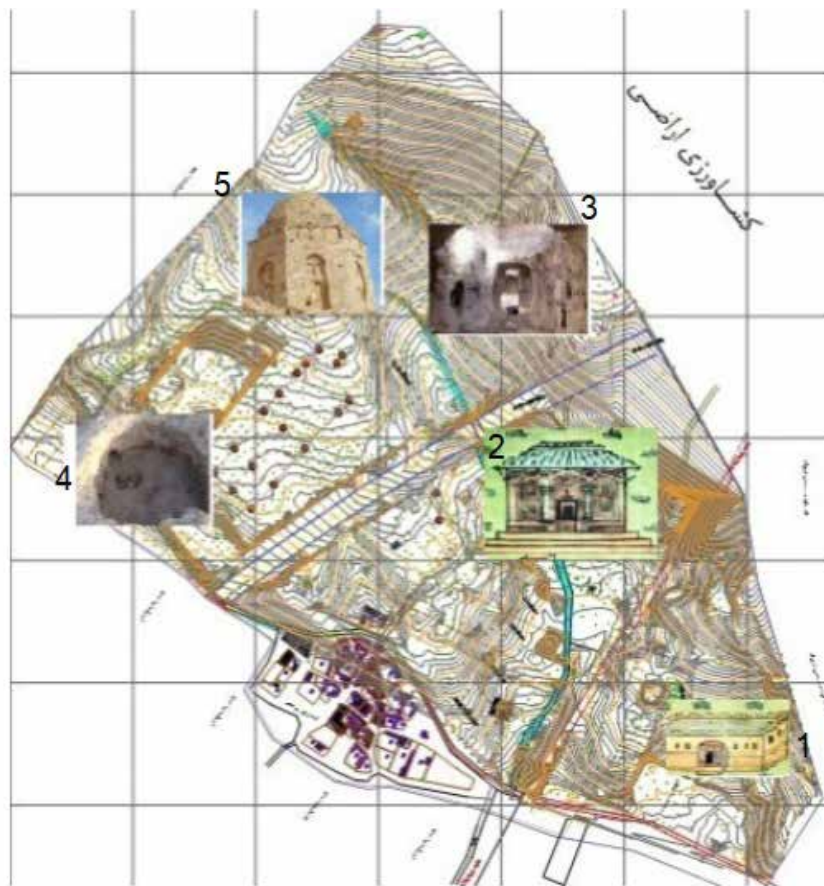
تصویر ۷. مقایسه قلعه اوجان دوره ایلخانی با قلعه سنگی رباط کریم دوره سلجوقی که از نظر شکلی و مصالح شباهت دارد. مأخذ: تاج پور، ۱۳۹۸.



تصویر ۸. تصویر غار معبد ایلخانی مراغه که در زیر تپه رصدخانه و غار معبد اوجان بسیار شبیه آن ایجاد شده است. مأخذ: ولایتی، گزارش کاوش اوجان، ۱۳۹۸.

و تبریز قرار می‌دهد (اصطخری، ۱۳۷۸، ۱۸۱-۱۸۲). همچنین یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد این شهر در دوره سلجوقی از رونق و آبادانی برخوردار بوده است (ولایتی، ۱۳۹۶، ۱۱۵-۱۲۲). اما در آستانه حمله مغول، اوجان شهر کوچکی بوده و جمعیت کمی را نیز در خود جا داده بود. مؤلف «معجم البلدان» که این شهر را دیده آن را «خراب» توصیف می‌کند و از برج و بازار کساد آن گزارش می‌دهد (حموی بغدادی، ۱۳۸۱، ۴۵۶).

پس از تشکیل سلسله ایلخانی و به خصوص در عصر مسلمانی آنها، اراده غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳ ق.) بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد بر آن قرار گرفت تا شهر اوجان را آباد کند و پس از آنکه خواست خود را عملی کرد و آن را «شهر اسلام» نام نهاد (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸، ۲۱۲-۲۱۳). اراده غازان خان در تأسیس این شهر چنان جدی بود که در طی سه سال چنان که وصاف گزارش می‌کند، «ساخت آن را یا حداقل قسمت‌های اصلی آن را به اتمام رسانید. سرزمین آن را بر نزدیکان حضرت تقسیم کرد و ایشان هریک به ساختن بوستان‌ها و ایوان‌ها و خانه‌ها و کشیدن دیوارها و افراشتن بازارها مشغول شدند. پس به اندک مدت شهر ساخته شد و امروز به هنگام بهار بدانجا نقل می‌فرمایند» (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸، ۲۱۳) اما چرا غازان خان در اندیشه رونق مجدد اوجان برآمد و همه امکانات را در این راه به کار گرفت. مانند آنچه از فعالیت‌های عمرانی خان‌های مغول در آذربایجان گزارش شده است، بهره‌گیری از امتیازات و فواید مسیرهای تجاری از جمله جاده ابریشم همیشه مورد توجه آنها بود. این بار نیز اوجان از موقعیت استراتژیک تجاری برخوردار بود. نزدیکی آن به تبریز و مسیر آن به مراغه جایگاه ویژه‌ای از نظر تجاری به آن بخشیده بود. اوجان از این نظر برای اشراف نظامی وابسته به ایلخانان حائز اهمیت بود که مسیر تلقی کاروان‌های تجاری غرب ایران و تجار شرق بود و می‌توانست منبع تأمین مالی شایانی برای آنها فراهم کند (تصویر ۱۰). این شهر در مسیر راه‌های مهم تجاری عراق عجم و ایالت‌های آذربایجان، اران، ارمنستان، گرجستان، شیروان و آناتولی بود. این راه تجاری نقش مهمی در رونق اقتصادی آذربایجان در این زمان ایفا کرد، زیرا مناسبات با شهرهای دشت قباچاق و مناطق شمالی دیگر و نیز شرق از این راه صورت می‌گرفت (مستوفی، ۱۳۳۷، ۱۸۱-۱۸۲). دو پدیده در توسعه اوجان نقش مهمی ایفا کردند؛ نخست «ابواب البر غازانی» یا وقف زمین‌های کشاورزی و روستاهای اطراف شهر به مجموعه شام غازانی تبریز که سبب گسترش آن شد و البته به همین خاطر اوجان را «شهر وقفی» دانسته‌اند (کریمیان



تصویر ۹. نقشه جانمای آثار مهم معماری شهر تاریخی اوجان شامل ۱- قلعه ۲- قصر سلطنتی ۳- غار معبد ایلخانی ۴- آرامگاه تخریب‌شده جنوبی ۵- آرامگاه تخریب‌شده ضلع شرقی. مأخذ: ولایتی، ۱۳۹۸.

این شهر در طول سه سال به دست مهندسان ماهر سخن می‌گویند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۲، ۱۳۷-۱۳۸). به گزارش رشیدالدین فضل‌الله اوجان به چهار قسمت تقسیم شده بود. نواحی مختلف این شهر توسط درختان بید و سپیدار از هم جدا شده بود و آن مربع متساوی‌الاضلاع را به اقسام متساویه بخش کرده و بر دو طرف مرزهای آن درخت بید و سفیدار نشانده تا ممر خلق بر آن مرزها باشد. و هیچ آفریده در میان مرغزار نگذرد و راه هر طائفه معین که از کجا در آیند و از آن کجا بیرون شوند (همان). رشیدالدین فضل‌الله توصیف دقیقی از وضعیت ظاهری اوجان ارائه داده است. و به این وسیله امکان مناسبی برای ارزیابی کمی و کیفی آن فراهم ساخته است. در چهار قسمت این شهر که پوشیده از چمن‌زار بود چهار طایفه یا گروه اجتماعی منزل داده شده بودند. ارگ در وسط شهر قرار داشت که البته برعکس شهرهای دیگر به وسیله اشجار و درخت‌های زیبا محصور و از بقیه قسمت‌ها جدا شده بود. در اطراف ارگ فوق کوشک‌ها، برج‌ها، حمام و امارات عالییه ساخته شد (همان،

و مهدی‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۱-۱۳) و دیگر «امالک اینجو» که آن نیز در پرتو سیاست وقفی قابل مطالعه است (همان). در دوره ایلخانان تجارت و بازرگانی به طور عمده با مناطق غربی دنیای اسلام بود و آمد و رفت کاروان‌ها به طور عمده از این مسیر انجام می‌شد. به همین خاطر برای ورود به سلطانیه، مراغه و تبریز باید ابتدا از اوجان عبور می‌کردند، به این ترتیب ملاحظات تجاری و اقتصادی در شکل‌گیری اوجان نقش اساسی ایفا کرد و عبور مسیرهای ترانزیتی باعث سرعت‌گرفتن رونق اوجان شد و در کنار اراده و خواست سلطان ایلخانی اسباب شکوفایی آن را فراهم آورد. اوجان در دوره غازان چنان شکوفا شد که یکی از شش دروازه تبریز به نام این شهر نام‌گذاری شد. باید به این نکته توجه داشت که دروازه‌ها در حیات اقتصادی و شهرهای این روزگار از اهمیت زیادی برخوردار بودند. کاروان‌های تجاری مناطق مختلف با توجه به مسیر خود، هنگام ورود مقابل آن اتراق می‌کردند. سپس با پرداخت مالیات اجناس خود را وارد شهر می‌کردند (عون‌اللهی، ۱۳۸۷، ۵). منابع این دوره از ساخت

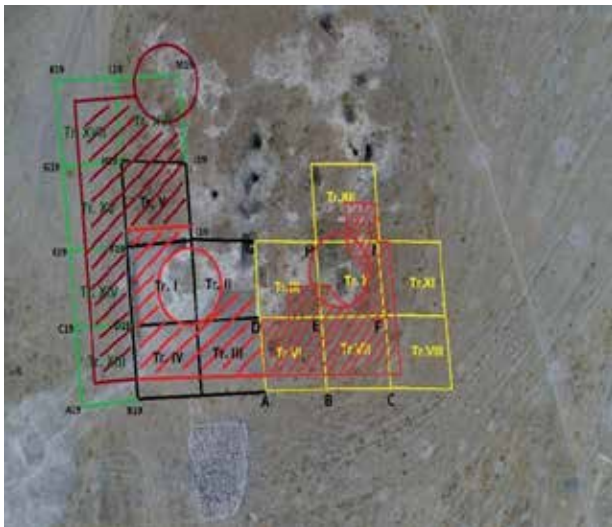


تصویر ۱۰. مسیر جاده ابریشم از چین تا اوجان و از اوجان تا روم. مأخذ: ولایتی، ۱۳۹۸.

متعلق به دوره ایلخانان، فضاها و ساختارهای معماری ابعاد مختلفی از سکونت و تداوم استقرار را در این شهر به نمایش می‌گذارد.

هیئت باستان‌شناسی شهر اوجان برای شناسایی و تعیین وسعت عرصه و حریم شهر تاریخی اوجان با کاوش گمانه‌هایی در محدوده شهر که با آشکار شدن لایه‌های فرهنگی و معماری و بستر شهر موقعیت گمانه بعدی را روشن می‌کرد ادامه پیدا کرد. ۴ قبر اسلامی مربوط به دوران سلجوقیان و ایلخانان و همچنین معاصر در محدوده عرصه شهر شناسایی شد و کاوش ارگ و قلعه حکومتی شهر به عنوان بزرگترین و سالم‌ترین بنای باقی‌مانده در چهار فصل انجام شد. داغی دو برج آرامگاهی از دوره سلجوقی و ایلخانی و همچنین شناسایی محل دستکند جبه غربی شهر که احتمالاً کارکرد غار معبد بودای دوره ایلخانی را داشته و از طرفی دیگر شناسایی برج دیده‌بانی شهر بر روی ارتفاعات جبه غربی شهر مکان‌یابی شهر تاریخی اوجان را مورد تأیید قرار داده است. طبق شواهد نیز مشخص است که این شهر در دوره سلجوقیان تأسیس شده و در دوره ایلخانی و مرمت و بازسازی شده و مجدداً مورد استفاده قرار گرفته است (ولایتی، ۱۳۹۶). قلعه یا ارگ حکومتی با مصالح سنگ و گچ نیم‌پخت بنا شده است. دارای چهار برج مدور دیده‌بانی است که سه برج آن تاکنون از زیر خاک بیرون آورده شده است که قطر هرکدام از این برج‌ها حدود ۹ متر است. یکی از ویژگی‌های معماری قلعه و ارگ حکومتی اوجان سقف قلعه است که با گنبد‌های کوچک کار شده که با سنگ رودخانه‌ای و گچ نیم پخت طاق زده و سقف بنا را پوشانده‌اند. به نظر می‌رسد این یک سنت معماری سلجوقی

۱۳۸-۱۳۷). اطراف اوجان بارویی وجود داشت که مصالح آن از همان منطقه فراهم آمده بود و به گزارش مستوفی این بارو از سنگ و گچ ساخته شد (مستوفی، ۱۳۳۷، ۵۵) و دورتادور آن سه هزار گام بود (همان). از آنجا که اوجان شهر بیلاقی ایلخانان بود و تابستان‌ها محل تجمع و تلاقی آنها به حساب می‌آمد، برخی رویدادهای تاریخی در آن رخ داد (همان، ۱۱۷). تأسیس و شکل‌گیری اوجان را اگرچه نمی‌توان بدون در نظر گرفتن موقعیت تجاری و بازرگانی آن بررسی کرد، اما نقش ساختار سیاسی و اراده ایلخان مغول، غازان‌خان در این زمینه از اهمیت اساسی برخوردار است. اوجان را معمولاً منطقه بیلاقی و شهر تابستانی مغول دانسته‌اند، اما این نکته تنها قسمتی از دلیل تأسیس آن است. محل شهر تاریخی اوجان براساس بررسی باستان‌شناختی منطقه اوجان در سال ۱۳۹۲ شناسایی شد. توصیف‌های ارائه‌شده از شهر اوجان در متون تاریخی و جغرافیایی و خصوصاً تصویری که «مطراچی» از این شهر بر جای گذاشته است، کمک شایانی به شناسایی موقعیت این شهر گمشده می‌نماید. امروزه بقایای این شهر باستانی در جانب شمالی «اوجان چای» از جنوب و شرق شهرک صنعتی شماره ۱ تا غرب روستای اشرف‌آباد در ناحیه موسوم به «دالی دره سی» امتداد یافته است و محیط تاریخی این شهر بالغ بر ۱۰۰ هکتار است (ولایتی، ۱۳۹۲). در محدوده شهر اوجان مطالعات میدانی به صورت بررسی‌های پیمایشی و دقیق و همچنین عملیات گمانه‌زنی و کاوش منجر به کشف و شناسایی آثار مختلف از این دوره شد. وجود سفال‌های مختلف دوره اسلامی از قرن ۶ هجری تا ۱۴ هجری (از سلجوقی تا قاجار)، مسکوکات مفرغی



تصویر ۱۱. تصویر هوایی ارگ و قلعه اوجان و ترانسه‌های باز شده برای کاوش در فصل باستان‌شناسی آن. مأخذ: ولایتی، ۱۳۹۸.



تصویر ۱۲. دیوارهای شرقی قلعه که دو نوع معماری را نشان می‌دهد، یک دیوار با قلوه‌سنگ نتراشیده و دیوار دوم با سنگ تراش خورده به اصطلاح مالون که به نظر هیئت باستان‌شناسی اوجان دیوار اولی مربوط به دوره سلجوقی بوده است. دوره دوم با سنگ تراش خورده و مالون مربوط به دوره ایلخانی است. مأخذ: ولایتی گزارش باستان‌شناسی، ۱۳۹۸.

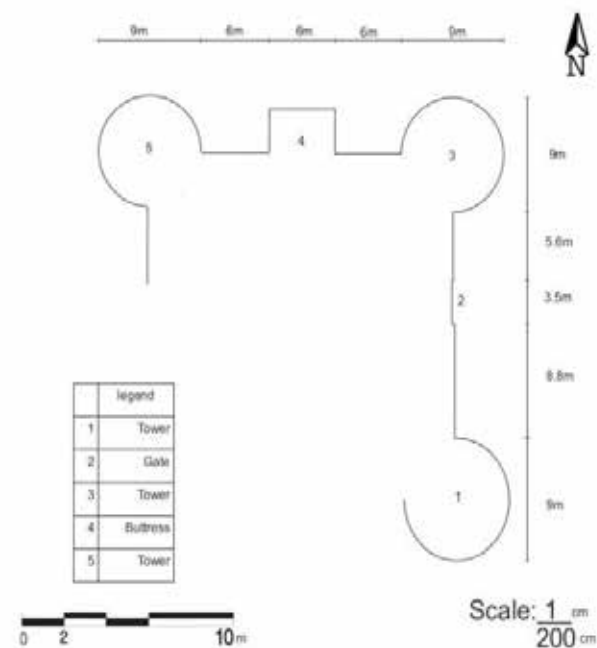
باشد که در دوره ایلخانی نیز مرمت و بازسازی شده است. دیوارهای جانبی و برج‌ها هم با سنگ‌های تراش خورده و به اصطلاح با سنگ مالون و گچ کار شده است که امروزه بلندترین دیوار باقی‌مانده از قلعه ۵ متر و ۳۰ سانتی‌متر در ضلع غربی بنا قرار دارد (ولایتی، ۱۳۹۶). کاوش این قلعه در ۱۸ ترانسه ۱۰ در ۱۰ انجام شد (تصویر ۱۱). بخش زیادی از این دیواره‌ها و برج‌ها در اثر زلزله ریزش کرده و آوار آن در اطراف قلعه پراکنده شده است که سنگ‌های آوارها جهت استفاده مجدد برای بازسازی جمع‌آوری شده است. سنگ‌های قواره‌شده و تراش خورده بزرگ در رج‌های نزدیک به کف چیدمان شده است و هرچه به سمت رج‌های بالاتر رفته‌اند اندازه سنگ‌ها کوچک‌تر شده است. میانگین ابعاد سنگ‌های تراش خورده پی برج را می‌توان نزدیک به ۲۰ تا ۴۰ سانتی‌متر در نظر گرفت. در ساختار نمای بیرونی و درونی برج از سنگ‌های تراش خورده مربعی و مستطیلی استفاده شده است. سنگ‌های به کار رفته در ساختار این بنا از نوع ماسه‌سنگ و سنگ‌های آهکی هستند که بسیار هوازده شده‌اند (تصویر ۱۲). ملاط به کار رفته در پنج رج سنگ‌ها از جنس گچ (احتمالاً از نوع نیم‌پخت) و درصدی آهک و ماسه است. این ملاط در بخش‌های پایینی هنوز استحکام خود را حفظ کرده ولی در سطوح بالاتر بنا استحکام اولیه خود را از دست داده است. نمای بنا را با استفاده از همین ملاط بندکشی کرده‌اند. ارتفاع قسمت‌های تخریب شده برج متغیر است اما در بیشترین حالت به یک متر می‌رسد که این قسمت‌های تخریب‌شده معمولاً با آوار برج پر شده است (ولایتی، ۱۳۹۷). بین رج افقی و عمودی سنگ‌ها با استفاده از ملاط گچ و آهک بندکشی شده و ضخامت ملاط بین هر رج بین ۲ تا ۴ سانتی‌متر متغیر است. ضخامت ملاط به کار رفته در مغز دیوار بسیار زیاد است به نحوی که سنگ‌های دیوار کاملاً در ملاط فرو رفته‌اند (تصویر ۱۳)؛ (همان، ۱۶۹).

از دیگر بناهای قابل مقایسه با قصر اوجان می‌توان به قصر خباز در عراق (نزدیکی رود فرات) و قلعه کستلوم در سوریه کنونی (نزدیکی تل براک) اشاره کرد که نشان‌دهنده تداوم شکل، فرم و معماری قلعه‌ها از دوره پیش از اسلام تا دوره اسلامی بوده است. پلان قلعه کستلوم را «اورل اشتاین» در اولین بازدید خود از این قلعه در ۱۴ دسامبر ۱۹۳۸ تهیه کرده است. از لحاظ معماری این قلعه دارای برج‌های دیده‌بانی شبیه قلعه اوجان بوده و شکل و فرم آن کاربری یک دژ دفاعی در برابر ساسانیان داشته است (Syrett, 2012). معماران دوره ایلخانی همه نقشه‌ها و مصالح و روش ساختمانی دوره سلجوقی را اقتباس کردند. مقبره برجی در معماری سلجوقی اهمیت داشت و در دوره ایلخانان از

نتیجه گیری

ساختار حکومت ایلخانان در تمام دوران حکم‌فرمایی آنها ماهیتی دوگانه داشت، یعنی نیمی مغولی و نیمی ایرانی. برقراری توازن میان این دو پدیده کار ساده‌ای نبود و تنها ایلخانانی چون غازان‌خان، محمد اولجایتو و ابوسعید موفق به تحقق آن شدند. نیروهای مرکز گریز مغول هرگاه فرصت طغیان و خود سری را از دست می‌دادند، نهادهای شهری مجال رونق و توسعه می‌یافتند. رشد و شکوفایی شهرهای آذربایجان در دو سده هفت و هشت هجری حاصل غلبه عناصر شهری بر عناصر ایلیاتی مغول بود. در حوزه شهر و شهرنشینی مغولان دستاوردها و میراث پیشین ایرانی را اخذ کرده و با توجه به شرایط اقلیمی و به‌خصوص موقعیت تجاری و اقتصادی و حتی سیاسی آذربایجان در توسعه و بنیانگذاری شهرهای این سامان به نقش‌آفرینی پرداختند. آذربایجان به دلیل موقعیت استراتژیک، نسبت به دیگر نقاط ایران، این موقعیت را داشت که شاهد شکل‌گیری و پیشرفت شهرهای مهم باشد. شهرهای تبریز، مراغه، سلطانیه از شهرهای مهم دوره ایلخانی به شمار می‌روند و شهر اوجان نیز محل اقامت و گذر بسیاری از کاروان‌ها و بازرگانان ایرانی، چینی، رومی و ترک بوده، و از طرف شرق نزدیکترین محل اقامت مسافران و بازرگانان، قبل از رسیدن به شهر تبریز محسوب می‌شده است. ایلخانان مغول پس از دوره جهانگیری، در دوره جهاننداری شیوه متفاوتی را در پیش گرفتند؛ از آغاز حکومتشان ساخت بناهای علمی، آموزشی و تحقیقاتی را شروع کردند و رصدخانه مراغه نمونه بارز آن در اوایل حکومت ایلخانان در ایران است. به دنبال آن، مجموعه‌های علمی و خدماتی دیگری نیز ساخته شدند که مجموعه ربع رشیدی، شام غازان و مقبره سلطانیه از مهمترین و بزرگترین آنهاست. شهر سلطانیه را می‌توان از نظر مقایسه با سایر شهرهای ایلخانی، مهمترین شهرها و پایتخت‌های دوره ایلخانی دانست زیرا تفاوت این شهر با سایر پایتخت‌های دوره ایلخانی در این است که شهر تازه‌تأسیس بوده و با سبک الگوی ایلخانان ساخته شده و مانند پایتخت‌های دیگر قبلاً مرکزیت شهری نداشته است. با مقایسه آثار معماری دوره ایلخانی در آذربایجان نکاتی قابل استنباط است: به دلیل کاربرد سنگ در چند بنای شهر اوجان در دوره ایلخانی می‌توان به نتایج قطعی‌تری پیرامون تأثیرپذیری آن از عصر سلجوقی پی برد. چون بنای ربع رشیدی از خشت پخته بوده و در گذر زمان دچار آسیب و نابودی شد (ن.ک. تصویر ۶)، بنابراین امکان استنتاج دقیق‌تر باستان‌شناسی از بافت آن وجود ندارد. اما در مورد بنای سلطانیه که از آجر و سنگ در آن استفاده شده می‌توان سبک مستقل‌تر آن از اوجان را دریافت. در مورد

آنها به عنوان الگو استفاده شد. می‌توان گفت که معماری سلجوقی شکل ابتدایی سبک ایلخانی است و در طی یک دوره سیزده‌ساله معماری در ایران سیر منظم تکامل را طی کرده است. چند نمونه از این‌گونه تحول و تکامل شکل می‌توان ذکر کرد. در ساختمان‌های دوره ایلخانی اهمیت زیادی به عمودیت و ظرافت اشکال منتخب داده شده است. در مقایسه با آثار ساختمانی سلجوقی نسبت اطاق‌ها تغییر داده شده و اطاق‌ها از نظر ارتفاع نسبت به اندازه‌های افشان بلند شده‌اند. ایوان‌های دوره سلجوقی پهن و بزرگ است، در صورتی که در دوره ایلخانان ایوان‌ها باریک‌تر و مرتفع‌تر شده‌اند. و ستونچه‌های گوشه به تعداد زیادتر نزدیک‌تر به هم قرار گرفته و خطوط باریک‌تر دارند و قدرت ساختمانی بنا عمداً تمرکز داده شده است (ویلیبر، ۱۳۹۳، ۳۵).



تصویر ۱۳. سه برج قلعه همراه با تصویر واقعی محل کاوش فصل سوم تا برج سوم قلعه وارگ حکومتی اوجان. مأخذ: نگارندگان.

بناهای شهر مراغه نیز شباهت آن با ویژگی‌های سلطانیه بیشتر است. بنابراین آنچه در مورد اوجان گفته شد در ساختار ارگ حکومتی دیگر مجموعه‌ها دیده نمی‌شود. اما وجود آجر در آوارهای به جا مانده در محدوده شهر اوجان نشان‌دهنده ساخت بناهای عمومی با این مصالح است. اما به طور کلی در مصالح استفاده شده در ساخت بنا و همچنین طراحی فضاهای معماری و استفاده از مصالح در ساخت و بازسازی و نوسازی این شهرهای ایلخانی شباهت‌هایی دیده می‌شود. از جمله استفاده از قلوه‌سنگ، ساروج، آجر و کاشی‌های خاص این دوره، ساخت قلعه یا ارگ مرکزی و داربودن حصار از مشترکات دیگر این شهرهای ایلخانی به حساب می‌آید. هیئت باستان‌شناسی در بررسی همه آثار معماری موجود شهر اوجان دو نوع معماری با سنگ را مشاهده می‌کند. دیوارچینی با قلوه‌سنگ رودخانه‌ای نتراشیده با ملات گچ نیم‌پخت که معمولاً در ردیف‌های پایین دیوارها دیده می‌شود. بنابر سابقه تاریخی و مقایسه‌ای احتمال می‌دهد این آثار به جا مانده به دوره تأسیس شهر در دوره سلجوقیان برگردد. همچنین دیوارچینی با سنگ تراش‌خورده در اشکال مربع و مستطیل با ملات گچ نیم‌پخت مخلوط با پودر سنگ که استحکام بیشتر و چیدمان منظم‌تری دارد که احتمال داده می‌شود این آثار معماری مربوط به دوره ایلخانان است. بنابراین در ارگ حکومتی لایه‌های پایینی مربوط به سلجوقیان و لایه‌های بالایی مربوط به دوره ایلخانی است.

پی‌نوشت

۱. اولوس امیر منطقه و جوجی، جغتای، اوکتای و تولوی چهار پسر چنگیز از همسر او پورته بودند که به چهار کولون یا چهار رکن امپراتوری معروف بودند. بنابر خواسته پدر امپراتوری میان آنها تقسیم شده بود. یورت اصلی مغول در مغولستان به تولوی پسر کوچک و نواحی حد فاصل مغولستان و ترکستان به اوکتای و بخشی از ترکستان و ماورالنهر به جغتای و سرزمین‌های حد فاصل خوارزم به سمت شرق دریای مازنداران به جوجی سپرده شد (رضوی، ۱۳۸۸).

فهرست منابع

- آجورلو، بهرام و مرادی، امین. (۱۳۹۹). رهیافتی تحلیلی به دیرینگی و کارکرد برج بزرگ جنوبی ربع رشیدی تبریز، باغ نظر، (۱۷)، ۴۵-۵۶.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۸). تاریخ کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران (ترجمه علی هاشمی و ابوالقاسم حالت)، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۷۸). تاریخ مغول در ایران (ترجمه محمود میر آفتاب). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد. (۱۳۷۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، ۱ (۴)، ۷-۴۹.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۷۸). مسالک و ممالک (ترجمه

- ایرج افشار). تهران: علمی فرهنگی.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورونوا. (۱۳۷۲). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان (ترجمه عنایت‌الله رضا). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- تاج‌پور، مهدیه. (۱۳۹۸). بررسی ساختار فضایی شهر اوجان در دوره ایلخانی (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد باستان‌شناسی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران.
- تسف، ولادیمیر. (۱۳۷۸). نظام اجتماعی مغول (ترجمه شیرین بیانی)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تشکری، عباس. (۱۳۷۷). ایران به روایت چین باستان. تهران: روابط بین‌الملل وزارت خارجه.
- توحیدی، فائق؛ کبیری، احمد و مهریار، محمد. (۱۳۶۵). بررسی و پیگردی برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه، اثر، (۱۴، ۱۳، ۱۲)، ۲۰۹-۲۶۴.
- جوینی، علاءالدین عطاملک. (۱۳۷۰). تاریخ جهانگشا، به اهتمام عبدالوهاب قزوینی. تهران: انتشارات ارغوان.
- حافظ ابرو، نورالله بن عبدالله بن لطف الله. (۱۳۷۱). ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، به اهتمام خانابا بیانی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۱۳۸). مجمع البلدان، جلد اول، (ترجمه علینقی منزوی). تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی.
- دانتی، مایکل. (۱۳۸۶). دوره ایلخانی تپه حسنلو (ترجمه علی صدرائی و صمد علیون). تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی.
- رضوی، سید ابوالفضل. (۱۳۸۸). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرفراز، علی‌اکبر. (۱۳۶۱). گزارش کاوش در محوطه مسجد جامع علیشاه تبریز. تهران: آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۷). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۷۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین. (به اهتمام عبدالحسین‌نوابی) تهران: طهوری.
- شراتو، امیرتو و گروه، ارنست. (۱۳۷۷). هنر ایلخانی و تیموری. (ترجمه یعقوب آژند). تهران: مولی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۷۱). اخلاق ناصری (تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری). تهران: نشرخوارزمی.
- عون‌اللهی، سیدآقا. (۱۳۸۷). تاریخ پانصدساله تبریز (ترجمه زارع شاهرسی). تهران: امیرکبیر.
- فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین. (۱۳۱۹). تاریخ مبارک غازانی، داستان غازان خان (۷۰۳ ه ق). (به کوشش کارل یان). انگلیس: هرتفورد، اشتفان اوستن.
- قزوینی، زکریا. (۱۳۷۷). آثار البلاد و اخبار العباد. (ترجمه عبدالرحمان شرفکندی)، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- کریمیان، حسن و مهدی‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۱). نقش وقف در توسعه کالبد شهرهای ایلخانی، نمونه موردی تبریز، سلطانیه، اوجان، وقف میراث جاویدان، ۲۲ (۸۷)، ۲۳-۵۰.
- کمال‌الدین حلمی، احمد. (۱۳۸۷). دولت سلجوقیان (ترجمه عبدالله ناصری). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۵). نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. تهران: ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۶). معماری اسلامی - جلد ۱ و ۲، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- لمب، هارلد. (۱۳۷۷). چنگیزخان (ترجمه رشید یاسمی). تهران: امیرکبیر.
- مارکوپولو. (۱۳۷۳). سفرنامه (ترجمه منصور سجادی). تهران: گویش.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۷). نزه القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات طهوری.
- مطراچی، نصح. (۱۳۷۹). بیان منازل (ترجمه و تعلیق رحیم رئیس‌نیا). تهران: نشر میراث فرهنگی.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۶۶). کاوش رصدخانه مراغه، تهران: نشر امیر کبیر.
- وصاف الحضرة، فضل‌الله بن عبدالله. (۱۳۳۸). تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار (تاریخ وصاف الحضرة)، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، تهران: کتاب‌خانه ابن‌سینا و کتاب‌خانه جعفری تبریز.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۲). گزارش فصل چهارم بررسی شهرستان بستان‌آباد- قوری گل و شیبلی. تهران: میراث فرهنگی و گردشگری.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۶ الف). گزارش چاپ‌نشده کاوش فصل اول قلعه وارگ حکومتی شهر تاریخی اوجان.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۶ ب). اوجان پایتخت باستانی ایلیخانان در آذربایجان براساس یافته‌های باستان‌شناسی. تهران: نشر انتخاب.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۷). گزارش چاپ‌نشده کاوش فصل دوم قلعه وارگ حکومتی شهر تاریخی اوجان.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۸). گزارش چاپ‌نشده کاوش فصل دوم قلعه وارگ حکومتی شهر تاریخی اوجان.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۹۳). معماری اسلامی ایران در دوره ایلیخانان (ترجمه عبدالله فریار). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هروی، سیف بن محمد بن علی. (۱۳۷۲). تاریخ‌نامه هرات، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: خیام.
- هویدا، رحیم. (۱۳۵۴). شهر تاریخی گمشده اوجان، مجله بررسی‌های تاریخی، ۱۰(۴)، ۹-۱.
- یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۹۰). شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن واضح. (۱۳۶۱). البلدان (ترجمه محمد ابراهیم آیتی). تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
- Syrett, K. (2012). Aurel Steins arial Survey of the Roman Empires. *frontier in Iraqand jordan*, 48-51.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ولایتی، رحیم؛ کرمی‌پور، حمید و سعادت‌راد، فرزانه. (۱۳۹۹). مطالعه معماری ایلیخانی با تکیه بر آثار معماری شهر اوجان. باغ نظر، ۱۷(۹۰)، ۶۷-۸۰.

DOI: 10.22034/bagh.2020.211261.4379

URL: http://www.bagh-sj.com/article_118423.html

